

تأثیر بینش تربیت فطری بر کنش سیاسی کارگزار نظام اسلامی در سیاست داخلی در اندیشه امامان انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

حسن وثوق زاده*

چکیده

فطرت انسان، شامل ادراکات و امیالی است که هر کدام به نوبه خود در رفتارها و کنش‌های یک فرد تأثیر عمیق دارد. اگر این فطرت از حجاب‌ها بیرون بیاید و رجوع به فطرت توحیدی و مخموره صورت گیرد، ادراک و امیال هم اصلاح شده و توحیدی می‌شود و در نتیجه، همه رفتارهای فرد هم اصلاح شده و در راستای رسیدن به کمالات الهی و شکوفایی استعدادها قرار می‌گیرد. مجموعه این رفتارها، بینش‌ها و گرایش‌های فطری همان تربیت فطری است و در نوشته حاضر آن چیزی که مدنظر قرار گرفته، تأثیر بینشی تربیت فطری در حوزه سیاست داخلی است که بر کنش‌های یک کارگزار نظام اسلامی تأثیرگذار است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و با بررسی بینش‌های تربیت فطری در نتایج تحقیق به این مسأله پی برده شده است که گستره امور فطری و رفتارهایی که برخاسته از فطرت باشد، بسیار زیاد است؛ هیچ کاری وجود ندارد که فطرت در آن تأثیر نداشته باشد و اگر رجوع به فطرت باشد آن کار دینی شده و منطبق بر تکوین و تشریع خواهد بود. می‌توان به برخی از این تأثیرها در رفتارهای سیاست داخلی شامل دوری از استبداد رأی و برتری جویی، داشتن روحیه انتقادپذیری، آرامش در عین سرعت و دقت، باور و محبت به مردم، تأمین امنیت ملی و مردم، حمایت از محرومان و مستضعفان، منت نگذاشتن بر مردم، ساده‌زیستی، امانت‌دار بودن نسبت به مسئولیت، مدیریت تعارض منافع و زمینه‌سازی برای تربیت و رشد آگاهی مردم اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: فطرت، تربیت فطری، ادراک فطری، کنش سیاسی، کارگزار نظام اسلامی، سیاست داخلی.

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های تربیت فطری، داشتن بینش و جهان‌بینی است که فطرت توحیدی یا مخموره آن را درک کرده و این بینش فطری بر رفتار و کنش سیاسی کارگزار نظام اسلامی تأثیر می‌گذارد که در تحقیق حاضر به این تأثیرات؛ البته در حوزه سیاست داخلی پرداخته شده است. کارگزار نظام اسلامی، اگر به اصلاح اندیشه خود با مراجعه به فطرت بپردازد و ادراکات خود را فطری کند، رفتارهای او هم مطابق با بینشش؛ عمیق، ریشه‌دار و تأثیرگذار خواهد بود؛ چرا که زبان فطرت، زبان عامه فهم، مورد اتفاق و غیرقابل تغییر است. بینش و ادراک در شش مورد خلاصه شده که در مرحله اول از توحید فطری آغاز می‌شود؛ سایر بینش‌ها هم از امتداد توحید فطری متأثر است؛ به هر حال در این پژوهش باید به این پرسش پاسخ دهیم که اگر بینش‌های فطری فرد اصلاح شود، خدا را بیابد و توحید را در همه ابعاد درک کند، چه تأثیری بر رفتارهای سیاسی او در حوزه سیاست داخلی خواهد گذاشت؟

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم فطرت

فطرت در کتاب‌های متعدد لغوی به معنای نوع خاصی از آفرینش (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۷۸۱/۲)، آفرینشی که سابقه‌ای نداشته باشد (طریحی، ۱۳۷۸: ۴۳۸/۳) و همچنین به معنی شکافتن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۵/۵) نیز به کار رفته است. چون «فطر» در وزن «فَعَلَة» به کار رفته که این وزن معنای نوع می‌دهد؛ لذا وقتی «فطر» معنای آفرینش داشته باشد، فطرت، نوع خاصی از آفرینش می‌شود. راغب در مفردات، «فطر» را به

معنای چاک زدن چیزی در درازای آن تعبیر کرده و معنای اصلی «فطر فلان کذا» را به اینکه فلانی فلان چیز را چاک زده، معنی می‌کند. (راغب، ۱۴۰۴ق: ۳۸۲) ابن اثیر در کتاب النهایة خود، واژه «فطر» را به «ابتدا و اختراع» تعبیر می‌کند. (ابن الاثیر، ۱۳۹۹ق: ۴۵۷/۳) در بیان حقیقت فطرت از منظر امام خمینی علیه السلام، در ابتدا ایشان به اینکه نفس انسان، قبل از ورود به عالم طبیعت و برقراری ارتباط با آن، مانند صفحه‌ای خالی است که نه کمالات روحانی در آن است و نه ضد این کمالات را دارا است اشاره می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۷۲/۱) در اصل این همان بدو فطرت و خلقت است که هنوز عاری از هرگونه فعلیت در جانب شقاوت و سعادت است. (همان، ۲۲۴) قبل از اینکه نظریه دو فطرت امام خمینی علیه السلام ارائه شود، لازم به ذکر است که ایشان در جایی دیگر در صحیفه نور، این مطلب را بیان می‌کنند که سرشت و فطرت انسانی در خودش، حب به خیر را داشته و این خود اوست که حجاب بر این سرشت خود گسترانیده و به انحراف می‌کشد. (همان، ۱۳۷۹: ۲۴۵/۲۲) از طرفی هم جایگاه این حقیقت فطرت در قلب بوده و دو وجه پیدا می‌کند: یکی به عالم غیب و دیگری به عالم طبیعت. (همان، ۷۸) بالاخره انسان هم در این دنیا، زاده شده و تربیت می‌شود؛ بنابراین روحانیت و فطرت او وارد پرده حجاب می‌گردد. (همان) در ادامه امام خمینی علیه السلام بر همین مبنا؛ فطرت انسان را بر دو گونه تقسیم می‌کنند: یکی فطرت مخموره و دیگری فطرت محجوبه. فطرت مخموره همان خیر است و فطرت محجوبه هم شر. خود فطرت مخموره دو قسم دارد که یکی اصلی است و دیگری فرع بر آن است و تبعی. این دو فطرتی که ذیل فطرت مخموره است، پایه و اساس همه فطرت‌هایی است که انسان دارد و سایر مراتب فطرت به این دو برمی‌گردد. منظور از فطرت اصلی همان میل به کمال، عشق و سعادت مطلق است و آن چیزی که فرع بر آن است و تابعیت دارد، فطرت تنفر از نقص، شر و شقاوت می‌شود که

مخمر در همه انسان‌هاست. به هر حال به نظر امام خمینی علیه السلام، هر دو قسم مربوط به فطرت مخموره غیرمحبوبه است که خود را از احکام طبیعت حفظ کرده و روحانیت آن باقی مانده است. (همان: ۷۷-۷۶) در نتیجه مقصود از خیر که مربوط به فطرت مخموره است، همان توجه به مقام روحانیت و مقام اصلی خود انسان می‌شود. (همان: ۷۷) اگر فطرت، احکام طبیعت را به خود بگیرد و از روحانیت و اصالت خود محجوب شود، این همان فطرت محجوبه می‌شود که منشأ همه شقاوت‌ها و بدبختی‌هاست. (همان) این فطرت محجوبه باعث می‌شود انسان راه خود را پیدا نکند و فقط به دنبال مقاصد باطله، دنیوی و طبیعت برود و این فطرت محجوبه همان طبیعت ثانویه برای انسان بشود. (همان: ۲۲۶) در نتیجه رفته‌رفته این انسان، همش دنیوی شده و نور فطرت مخموره‌اش خاموش می‌شود و در نهایت در جهنم، خالد می‌گردد. (همان: ۴۵)



مفهوم فطرت در بیان امام خامنه‌ای علیه السلام به‌رغم وحدت مفهوم، به بیان‌های متعددی آمده است که به نوع خاص آفرینش انسان، میثاقی که خدای متعال بعد از خلقت، از او گرفته و از فطرتش می‌جوشد، اشاره کرده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۵۷) ایشان همچنین در جایی دیگر، حقایق و واقعیت‌های فطرت انسان را در معارف اسلامی می‌بینند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰) و اسلام را هم متکی به فطرت انسان می‌دانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۳۱) به همین علت است که شکست در دین راه ندارد، «چون دین، مطابق فطرت و مطابق طبیعت خلقت است، پیش می‌رود و هیچ‌وقت شکست ندارد و خودبه‌خود تکامل پیدا می‌کند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۲۵۳) مانند جعبه‌ای که در مسیر جریان آب قرار گرفته و اگر هل داده نشود هم خودش خواهد رفت. (همان، ۲۶۲) معظم له در بیانی دیگر ذیل تفسیر سوره براءت، فطرت را همان قوانین و سنت‌های حاکم بر انسان می‌دانند که بر اساس این قوانین و سنت‌ها، در مسیر خود سیر می‌کند و با توجه به اختیاری که دارد، می‌تواند در راه شقاوت که برخلاف این قوانین است حرکت کند یا در راه سعادت که منطبق بر این قوانین و سنت‌هاست، پیش برود. (همان: ۱۱۵) اگر هم سلطه شیطان، نفس و شیطان صفتان نباشد، خود فطرت، انسان را به تعالی می‌رساند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۰۷) اگر تسلط شیطان و شیطان صفتان بر فطرت فائق آید؛ حتی خلأ خاموشی فطرت خود را هم حس نخواهد کرد؛ شاید در ظاهر اسم خدا را به زبان بیاورد؛ اما در حقیقت خبری از اعتقاد به خدا در درون او وجود نخواهد داشت.

۱-۲. تربیت فطری توحیدی

تربیت فطری، به فعلیت و کمال عملی رسیدن مقتضا و مطلوب فطرت الهی انسان است و این مقصود جز با مداومت و استمرار علم و عمل توأمان حاصل نمی‌شود و هیچ‌کدام به‌تنهایی کارساز نیست؛ یعنی هم ادراک، هم میل و هم رفتار و عمل، منطبق بر فطرت توحیدی شود. بدین ترتیب می‌توان گفت اخلاق و تربیت



فطری توحیدی، نتیجه رجوع انسان به فطرت توحیدی است. از آنجا که در حقیقت، فطرت سرچشمه تربیت و اخلاق و ریشه آن است، در این نوع از تربیت، از اعماق دل و با تمام وجود به دین رو آورده می‌شود؛ نه اینکه فقط به‌ظاهر و به‌صورت خالی از حقیقت، دم از دین زده شود. (سعادت پرور، بی‌تا: ۱۳/۱) تربیت فطری توحیدی، به‌گونه‌ای است که انسان در نتیجه رجوع به فطرت توحیدی خود، خدا را

همواره در هر فعلی، شهود می‌کند و در حد اعلایی از عبودیت الهی قرار می‌گیرد. باورهای او عمیق و ریشه‌دار بوده و از رفتارهای سطحی و ظاهری دینی بدون توجه به باطن آن خودداری می‌کند. هیچ‌گاه منافع خودش را مقدم بر منافع اجتماع و نظام اسلامی نمی‌بیند، چرا که با رجوع به فطرت خود، اصلاً خودی نمی‌بیند که بخواهد برای آن منفعی در نظر بگیرد و آن را بر سایرین مقدم سازد. این نوع تربیت در هر عرصه‌ای ورود کند تأثیرات قابل توجهی از خود به جا خواهد گذاشت. چون با فطرت الهی سایر انسان‌های موجود در اجتماع، ارتباط فطری برقرار می‌کند و جلوه‌ای از تجلی صفات خدای متعال را در آن اجتماع پدید می‌آورد. همان‌طور که مطرح شد، این با تربیت متعالی تقریباً به یک معنا به کار می‌رود، امانگاه در این نوع تربیت مقداری متفاوت است. این نکته حائز اهمیت است که تعالیم اسلام، خودش با این نگاه، فطرتاً انسان را تربیت می‌کند و تربیت فطری چیزی جدای از کتاب، سنت، عقل و تعالیم اسلام نیست؛ فقط نگاهی فطری و دقیق به تعالیم اسلام و عمل از روی باطن و منطبق با خواست‌های فطری است که انسان را به سمت تربیت فطری می‌کشاند. رهبری هم در همین راستا می‌فرمایند:

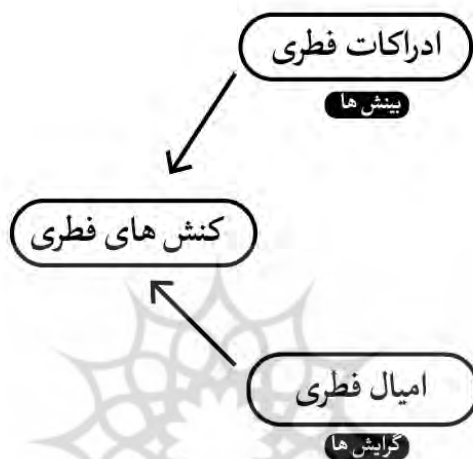
ما مسلمان‌ها اگر قدر تعالیم اسلام را بدانیم و به عمق آن‌ها پی ببریم، خواهیم توانست یک دنیای نو، منطبق بر خواست‌های حقیقی و فطری انسان به وجود بیاوریم. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱/۲۶)

به هر حال در مجموع، تربیت فطری توحیدی یعنی: «مجموعه‌ای از کنش‌ها، ادراکات و امیال فطری انسان است که به نحو توحیدی ظهور و بروز پیدا کرده، در جهت تکامل و رشد او قرار گرفته و در کنش‌های او هم تأثیرگذار باشد.»

۳-۱. کنش سیاسی

کنش، محصول دو متغیر است که به فطرت انسان مرتبط می‌شود، اولی ادراکات فطری است که در کنش تأثیر می‌گذارد؛ به عبارت دیگر همان بیش‌های

فطری مؤثر درکنش؛ دومی امیال فطری است که درکنش تأثیر می‌گذارد؛ به عبارت بهتر همان گرایش‌های فطری مؤثر درکنش؛ هر دو هم به نحو ایجابی و هم به نحو سلبی مؤثر درکنش هستند. در نتیجه هیچ کنشی نیست که فطرت در آن تأثیر نداشته باشد.



۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش در خصوص مطالب مربوط به بینش‌ها از سخنرانی دوازده آذر سال ۱۳۷۹ رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران الهام گرفته شده است که ایشان بینش‌های اصیل، جهان‌بینی اسلامی و ادراکات فطری مبتنی بر آن را در پنج محور و وظایف و کنش‌های برخاسته از این ادراکات را هم مجدد در پنج محور آورده‌اند که البته با سایر استنباطاتی که از فرمایشات ایشان و مرحوم امام رحمه‌الله انجام شده است، ارتباط عمیق و ریشه‌دار این‌ها با فطرت توحیدی و الهی انسان یا همان فطرت مخموره در جهت تربیت فطری برای ترویج کنش‌های سیاسی ناشی از این تقریباً به‌وضوح قابل مشاهده است؛ البته شاید در ظاهر، ادعا شود که غالب توصیه‌های رهبری به کارگزاران، فقط به

فطرت ارتباط نداشته و می‌توان عنوان تربیت دینی، اسلامی و یا ایمانی هم برایشان بکار برد؛ اما با تحقیق بیشتر و رجوع به سایر بیانات معظم له در خصوص فطرت، می‌توان به این نتیجه رسید که اساس کار، رجوع به فطرت است و به تبع آن، سایر عناوین هم بر آن بار می‌شود؛ زیرا: «اسلامی که ما به بقای آن معتقدیم، اسلام صحیح و مطابق با فطرت است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۲۶۳) برای فهم بهتر مطلب، شکل زیر نمای کلی از چارچوب نظری نوشته حاضر را به نمایش گذاشته است:

۲-۱. کنش سیاسی کارگزار متأثر از توحید فطری

کارگزار نظام اسلامی اگر اعتقاد فطری به توحید داشته باشد، یعنی از روی



فطرت خداخواهی خودش، توحید را از درون خود بفهمد و درک کند و با

توجه به اینکه، توحید در همه مراتب آن، امتداد سیاسی و اجتماعی دارد، در رفتارهای سیاسی او تأثیراتی را به دنبال خواهد داشت. ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین تأثیر این بینش، اطاعت قلبی و عبودیت خداوند متعال در همه رفتارهای سیاسی خود است؛ این عبادت، فطری است؛ چون کسی که به فطرت خودش برسد، نمی‌تواند که خدا را عبادت نکند. سایر رفتارهای سیاسی او هم در همین راستا خواهد بود که فقط و فقط خواست و رضایت الهی برایش اولویت دارد و نه خواست نفس یا دیگران؛ یعنی عبودیت خدا و نفی هر چیز غیر از خدا.

۱-۲. دوری از استبداد رأی و برتری‌جویی

یکی از تأثیراتی که از ادراک فطری توحیدی در عمل سیاسی کارگزار دیده می‌شود، دوری از استبداد رأی و برتری‌جویی است؛ چون انسان فطرتاً اصلاً خود را نمی‌بیند، لذا هیچ برتری‌جویی و رأی‌خودی هم به دنبال آن نخواهد بود و فقط خدا را خواهد دید. در نتیجه انسان اگر به فطرت خود رجوع کند، به‌خودی‌خود از این لغزش بزرگ دوری خواهد کرد. هیچ وقت سعی نخواهد کرد که حرف خود را بر کرسی بنشاند و فقط رضایت الهی را در نظر می‌گیرد. امام خامنه‌ای دام‌الله در تحلیلی از بیان امیرالمؤمنین علیه السلام این گونه از این صفت، کارگزار را بر حذر می‌دارند: «کارگزار اسلامی نباید به دنبال استعلام و سلطه‌جویی و برتری‌جویی بر مردم باشد».

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (قصص، ۸۳) این کار، سخت اما ممکن و لازم است. سلطه‌جویی، آفتی است که قدرت‌مداران عالم را همیشه تهدید کرده و بسیاری را لغزانده

است. «(آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۹/۱۴)

۲-۱-۲. داشتن روحیه انتقادپذیری

یکی دیگر از آثار بینشی تربیت فطری بر رفتار سیاسی که از ادراک فطری توحید سرچشمه می‌گیرد، داشتن روحیه انتقادپذیری است؛ فرد وقتی فطرتاً خدا را درک کند، انانیت او از بین رفته و اصطلاحاً چیزی که به او بر بخورد وجود ندارد! به همین دلیل به راحتی نقدها را می‌پذیرد، چه انتقادات از روی عناد باشد و چه مصلحانه؛ بنابراین برای شنیدن نقد سینه گشاده و روی باز و گوش شنوا دارد. رهبری در این خصوص به این ضرورت داشتن این روحیه در رفتارهای سیاسی کارگزار اشاره داشته و می‌فرمایند:

گاهی... به انسان یک نقدی می‌شود؛ عیب جوئی‌ای از انسان می‌شود، انتقادی می‌شود که آن طرف هم دوست آدم نیست که آدم به اعتماد دوستی او بخواهد بگوید که خوب، ما گوش می‌کنیم. نه دوست هم نیست، اما دشمن هم نیست؛ دشمنی‌اش هم ثابت نشده. لیکن نقد است؛ انتقاد است. آن را هم حتی باید گوش کرد. شاید در خلال این نقدها حرفی وجود داشته باشد که به درد ما بخورد و باید به هر حال با سعه‌ی صدر برخورد بشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۶/۱۸)

۲-۱-۳. آرامش در عین سرعت و دقت

وقتی کارگزار، توحید را فطرتاً ادراک کرد، این ادراک به او آرامش و سکینه القا می‌کند، چون اعتماد و تکیه او بر خدای فطری است که از غیر او ترسی به دل راه نمی‌دهد، لذا این کارگزار.

اگر مشکلی پیش آید، آن‌ها می‌تواند در سایه آن آرامش، تصمیم درست را اتخاذ کند؛ دستپاچه و مضطرب و دل‌باخته در حوادث نشود؛ مثل صخره‌ای، بلکه مثل کوهی، در مقابل حوادث دشوار و سخت بایستد و اگر خوشی و راحتی و گشایشی پیش آید، خود را گم نکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۰/۴)

۲-۲. کنش سیاسی کارگزار متأثر از ادراک فطری تکریم انسان

همان‌طور که مطرح شد، انسان، فطرتاً بی‌نهایت طلب است و این در سایر موجودات وجود ندارد و این از معارف فطری است که این انسان دارای فطرت الهی، کرامت دارد. در آیات قرآن و دین اسلام هم به این مطلب تصریح شده و از قاعده انطباق دین بر فطرت هم به این نتیجه می‌توان رسید. حال اگر انسان درک فطری داشته باشد که باید انسان‌ها را تکریم کرد، چون خدای متعال تکریم کرده است، لذا در رفتارهای سیاسی او تکریم آحاد مردمی و نوع انسانی دیده می‌شود.

۲-۲-۱. باور و محبت به مردم

از جمله آثار درک فطری کارگزار به تکریم انسان، باور و محبت به مردم است، چون با مردم رابطه ایمانی و محبت برقرار کرده و لذا در تربیت فطری که اسلام هم منطبق بر آن است، «رابطه مسئولان کشور و مدیران جامعه با آحاد مردم، رابطه ایمان است، رابطه محبت است، رابطه همکاری صمیمانه است، رابطه رضایتمندی حقیقی است؛ این نسخه، امروز در اختیار ما است. هر وقت به این نسخه‌ها در هر مقداری عمل کردیم، کامیابی و موفقیت را به رأی‌العین مشاهده کردیم.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۵/۲۰) چون کارگزار معرفت به تکریم انسان‌ها دارد، چنین ارتباطی را با مردم برقرار می‌کند. حتی به مردم عشق می‌ورزد و دغدغه حل مسائل و مشکلاتشان را دارد، چون درک فطری به تکریم، بدون امتداد عملی ممکن نیست و خودبه‌خود منجر به ظهور کنش متناظر می‌شود. در این راستا امام خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه می‌فرمایند:

معنای مردمی در کشور ما این است که نه فقط انتخاب مردمی است، ارتباط مردمی هم است. با مسئولان حکومت، با اجزای حکومت، تعاطی و تبادل فکر و ارتباط وسیع و عمیق عاطفی است؛ عشق‌ورزی بین مسئولان و مردم است. مسئولان صادق به معنای واقعی کلمه به مردم عشق می‌ورزند؛ مردم هم به آن‌ها متقابلاً همین‌طور. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵)

۲-۲-۲. تأمین امنیت ملی و مردم

همچنین این اهمیت دادن فطری به کرامت انسانی، باعث سعی و تلاش برای ایجاد امنیت مردم می‌شود؛ چرا که «امنیت، جزو اولین نیازهای این کشور است. باید آن کسانی که متصدی امور کشورند، معنای امنیت، اهمیت آن و راه‌های تحصیل امنیت برای این کشور را به‌درستی بدانند و بفهمند که امنیت برای کشور چقدر اهمیت دارد.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۲/۱۵) این ادراک و فهم، از خاستگاه فطرت انسان برمی‌خیزد. در کرامت نوع انسانی هم فرقی بین نوع افراد در جامعه نیست، بلکه همه در این دایره قرار می‌گیرند؛ لذا «امنیت هم متعلق به همه است. امنیت تهران، واجب‌تر از امنیت مردم مرزنشین جنوب و شرق و غرب کشور نیست. امنیت افراد مرفّه که از سرمایه و امکاناتی برخوردارند، واجب‌تر از امنیت آن کارگری که چشمش به مزد روزانه است، نیست. لذا امنیت، متعلق به همه است.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۴/۲۵) فطرت انسان، تنها کسانی را که خود مخل امنیت هستند را از دایره تکریم انسان خارج می‌کند، چراکه فطرتاً ظلم را درک می‌کند؛ بنابراین، مستثنا، «خود مجرم در حال ارتکاب جرم یا در جهت ارتکاب جرم است؛ ولی سایر افراد - همه کسانی که هستند - مشمول این چتر عمومی‌اند و [کارگزار] بایستی آن را بر سر تمام این ملت بگستراند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۱/۲۵)

۲-۲-۳. حمایت از محرومان و مستضعفان

در ادامه توجه به تکریم انسان و تنفر از ظلم به‌صورت ادراک فطری، اگر انسانی که کارگزار است بخواهد کسی را تکریم کند و آن فرد هم مستضعف و یا محروم باشد، این توجه و تکریم او دوچندان خواهد شد، چرا که فطرتاً بعد از ادراک فطری تکریم انسان، دنبال برقراری عدالت و دوری از ظلم است.

۴-۲-۲. خدمت‌گزاری بدون منت بر مردم

این تکریم و خدمتگزاری به مردم، اقتضا دارد که کارگزار هیچ منتی بر سر مردم نگذارد. چرا که فطرتاً کرامت را فهمیده و از طرفی هم فطرتاً خدا را یافته و انانیت را کنار گذاشته است، لذا دیگر جایی برای منت نمی‌ماند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند:

«وَأَيُّكَ وَالْمَنْ عَلَى رِعْيَتِكَ بِإِحْسَانِكَ، أَوْ التَّزِيدَ فِيمَا كَانَ مِنْ فَعْلِكَ، أَوْ أَنْ تَعْدَهُمْ فَتَتَّبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ، فَإِنَّ الْمَنْ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ؛ وَالتَّزِيدَ يَذْهَبُ بُنُورُ الْحَقِّ؛ وَالْخُلْفُ يُوجِبُ الْمَقْتَّ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ». (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

نه سر مردم منت بگذارید که ما این کارها را برای شما کردیم یا می‌خواهیم بکنیم؛ نه آنچه را که برای مردم انجام دادید، درباره‌اش مبالغه کنید، اگر منت بگذارید، احسانتان باطل خواهد شد. مبالغه، نور حق را خواهد برد؛ یعنی همان مقدار راستی هم که وجود دارد، آن را در چشم مردم بی‌فروغ خواهد کرد. اگر خلف وعده کنید. در نظر مردم و در نظر خدا این مقت و گناه است. واضح است که هرچند این‌ها کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به مالک اشتر است، اما خطاب به کارگزاران و مسئولین هم هست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

۳. کنش سیاسی کارگزار متأثر از ادراک فطری معاد

بی‌نهایت طلبی که از ویژگی‌های فطری انسان است، اقتضا دارد که در بیرون بی‌نهایتی وجود داشته باشد و قطعاً منحصر در این عالم ماده نیست و عوالم دیگری است که پاسخ به این نیاز فطری انسان در آن‌ها وجود دارد - که البته بی‌نهایت مطلق همان توحید و خدای متعال است که اشاره شد؛ بنابراین ادراک فطری معاد و معرفت به عالم پس از مرگ هم از این بینش ناشی می‌شود. البته باور به معاد فقط منحصر به عوالم پس از مرگ نیست؛ بلکه در همین عالم، رسیدن به این درک به صورت فطری، باعث گسترش و توسعه عالم برای فرد

می‌شود. این ادراک در رفتارهای کارگزار نظام اسلامی تأثیرات جالبی به دنبال دارد که به برخی اشاره می‌گردد:

۱-۳. ساده‌زیستی

یکی از این تأثیرات، ساده‌زیستی کارگزار است، چرا که عالم ماده را گذرا دیده و برای خود، وبال و اندوخته‌هایی که چند روزی بیشتر همراهش نخواهد بود را کسب نمی‌کند و به حداقل نیازهایی که بتواند در عالم ماده گذران عمر بکند اکتفا خواهد کرد. لذا به دنیا هم وابسته نمی‌شود و نگاه وسیعی که از عوالم به صورت فطری درک کرده این اقتضا را دارد دنبال دنیاطلبی و اشرافی‌گری نرود. یکی از شعارهای انقلاب اسلامی - که انقلاب فطری بود - «ساده‌زیستی» بود؛ زندگی ساده و کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا.

۲-۳. امانت‌دار بودن نسبت به مسئولیت

کارگزاری که فطرت را محور کنش‌های خودش قرار داده و باور فطری به معاد دارد، لذا مسئولیتی که بر عهده‌اش است را به عنوان امانتی می‌داند که نباید نسبت به آن خیانت صورت گیرد؛ این جمله امیرالمؤمنین علیه السلام معروف است که فرمود: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵) این طعمه‌ای نیست که تو به دست آورده باشی؛ «وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ»؛ این یک امانت و مسئولیت بر دوش شماست؛ بنابراین از فرصت‌های شغلی نباید استفاده شخصی شود. نباید ریخت و پاش صورت گیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵)

۳-۳. مدیریت تعارض منافع

خلاصه کلام در این قسمت این است که کارگزار نظام اسلامی وقتی خودش را فطرتاً تربیت کرده و ادراک فطری به معاد داشته باشد، فلاح اخروی را بر سود

دنیوی ترجیح خواهد داد و اگر در موردی پیش آمد که یک سود دنیوی در جهت هدف‌های اخروی قرار نگیرد تا آنجایی که ممکن است، سعی می‌کند این سود دنیوی را در جهت هدف‌های اخروی قرار دهد؛ یعنی لازمه اعتقاد به این جهان‌بینی این است که انسان جنبه اخروی را ترجیح داده، از آن سود صرف‌نظر کرده و آن گناه را مرتکب نمی‌شود. این نگاه به او کمک می‌کند که فعالیت‌های خودش را به نحوی برنامه‌ریزی کند که با تلاش‌های عظیم دنیوی که ناگزیر است آن‌ها را انجام دهد، منافاتی پیدا نکند و برخلاف فلاح اخروی و وظایفی که تخلف از آن‌ها ممکن است در آخرت برای انسان وزر و وبال به بار آورد، نباشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

۴. کنش سیاسی کارگزار متأثر از ادراک فطری استعداد بی‌پایان انسان

اینکه همه انسان‌ها استعداد بی‌پایانی دارند و این یک استعداد فطری است، در مطالب قبل بیان شد؛ حال اگر کارگزار به این بینش به‌صورت فطری برسد که همه انسان‌ها همانند خودش استعداد بی‌پایانی دارند، سعی می‌کند که این استعدادها را هم در خود و هم در دیگران شکوفا کند، یعنی این در رفتارهای سیاسی‌اش ظهور و بروز خواهد کرد.

۴-۱. زمینه‌سازی برای تربیت و رشد آگاهی مردم

یکی از این رفتارهای سیاسی، رشد و آگاهی دهی به مردم است، چرا که مردم، مستعد این رشد و آگاهی هستند و آگاهی‌های سیاسی هم یکی از آن‌هاست. امام خامنه‌ای رحمته‌الله در این زمینه می‌فرماید:

اگر مردم ندانند، اگر مردم نفهمند، اگر مردم تصمیم نگیرند، کار گردانندگان این حکومت مشکل می‌شود؛ لذاست که مبنای کار این نظام بر بصیرت مردم است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۲/۰۱/۲۶)

۲-۴. نخبه پروری و گزینش نیروهای مخلص و کارآمد

با این مبنا چون کارگزار می‌خواهد، استعدادها را رشد دهد، لذا در گزینش نیروها، تخصص‌های مرتبط بااستعدادهای فرد را سنجیده و نخبه پروری می‌کند؛ همچنین چون فطرت هرچه پاک‌تر باشد، استعدادها بیشتر شکوفا می‌گردد، لذا این کارگزار، در گزینش نیروها و نخبه پروری، عنصر ایمان، تقوا و اخلاص را ملاک و معیار قرار می‌دهد.

۳-۴. کار جهادی

بر مبنای بینش فطری به استعداد بی‌پایان انسان، برای شکوفایی آن، مجاهدت، مبارزه و تلاش لازم است؛ یعنی پابندی به اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه که یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع؛ که حکومت و یا یک قدرت باشد این است که دائم مبارزه و تلاش کند. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل الله باشد. لذا فعالیت‌های سیاسی کارگزار باروحیه جهادی صورت می‌گیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

۴-۴. کار جمعی و تشکیلاتی

در بستر کار جمعی و تشکیلاتی است که این استعدادهای فطری انسان بیشتر و بهتر شکوفا می‌شود و این خود ناظر بر لزوم کار جمعی و تشکیلاتی است که کارگزار نظام اسلامی با فرض اینکه فطرتاً تربیت شده باشد، بدان پابند خواهد بود. مرحوم شهید بهشتی رحمه‌الله دریانی به این بستر شکوفایی استعدادهای انسان در تشکیلات توحیدی اشاره کرده و می‌فرمایند:

ما به یک تشکیلات نیرومند خلاق هماهنگ منسجم نیازمند هستیم که در آن استعدادها یکدیگر را بیابند؛ محل تلاقی استعدادها، محل شناسایی متقابل استعدادها باشد و در آنجا استعدادها زمینه شکوفایی پیدا کنند و محیطی مناسب برای همکاری هماهنگ پیدا کنند. چنین تشکیلات وسیع

موثر منسجمی می‌تواند، هر دو مطلب را تا حد زیادی تأمین کند؛ هم می‌تواند استعدادها را در سطح گسترده‌تر بشناسد و هم اینکه این‌ها چگونه می‌توانند با هماهنگی کار کنند. این هنر یک تشکیلات است. جامعه ما در مرحله‌ای که قرار دارد و می‌خواهد انقلابش را پیش ببرد، سخت نیازمند به شکل است. (بهشتی، ۱۳۹۱: ۸۰)

۴-۵. دوری از تنبلی و کم‌کاری

در ادامه بحث لزوم مجاهدت و مبارزه، دوری از تنبلی و کم‌کاری آورده می‌شود که فرد با الگوی تربیت فطری، رفتارهای سیاسی‌اش، هم جهادی بوده و هم عاری از تنبلی و سستی است و این حتی در بیان رهبری جزء آرمان‌ها شمرده می‌شود: «ازجمله آرمان‌ها کار و تلاش و پرهیز از تنبلی و نیمه‌کاره کار انجام دادن است». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰) بعضی از افرادی که در بخش‌های مختلف مسئول‌اند، متأسفانه دچار تنبلی و کم‌کاری بوده‌اند و هستند. وضع کشور اقتضا می‌کند کار پُر توان و پُر تلاش را؛ مسئولین و مدیران در هر جا که هستند، بایستی تلاش را افزایش دهند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۱/۰۱)

۵. کنش سیاسی کارگزار متأثر از ادراک حرکت عالم به سمت صلاح

این بینشی اساسی و فطری است که حرکت عالم به سمت صلاح بوده و قطعاً ظلم پایدار نیست. چرا که فطرت مخموره و توحیدی، میل به عدالت دارد و این عدالت حتماً به نحو کامل توسط منجی محقق می‌شود، اگر این‌گونه نبود، همچنین چیزی را خداوند متعال در فطرت ما قرار نمی‌داد. این را دین هم بدان تصریح می‌کند بر اساس همان قاعده انطباق دین بر فطرت هم می‌شود استدلال کرد. حال این ادراک چه تأثیری بر رفتارهای سیاسی کارگزار دارد؟ اولین تأثیر مربوط به امیدوار شدن خود کارگزار است و لذا ناامیدی کنار گذاشته می‌شود. سایر آثار هم از این اثر اصلی سرچشمه می‌گیرد.

۱-۵. اتکا و باور به ظرفیت‌های داخلی

کارگزار وقتی باور فطری به حرکت عالم به سمت صلاح داشت و این امیدواری در درون او ایجاد شده بود، لذا به ظرفیت‌های داخل هم ایمان و باور پیدا خواهد کرد؛ چرا که می‌داند با این ظرفیت‌های داخلی می‌تواند در آن آینده صلاح نقش ایفا کند.

۲-۵. ایجاد نشاط و امیدواری نسبت به نیروهای زیردست

کارگزار نظام اسلامی که تربیت خود را فطرتاً ساخته است، این روحیه امیدواری بر اساس باور به حرکت عالم به سمت صلاح را سعی می‌کند که به نیروهای زیردست خودش یا هرکسی که با او ارتباط دارد انتقال داده و نشاط و امیدواری را به او هم ایجاد کند تا این نشاط در رگه‌های مجموعه خود جاری شود. غذاست که توصیه‌های مکرری از امامان انقلاب بر این مبنا وجود دارد که «در درون تشکیلات خود به مدیرانی که زیر دست شما هستند، نشاط و امید بدهید و آن‌ها را وادار کنید کار را زیاد کنند... اگر از طرف شما دستوری صادر می‌شود، اگر باید اقدامی صورت گیرد، اگر باید مصوبه‌ای اجرا شود، نباید بگذارید شما را از پیشرفت آن بی‌خبر بگذارند؛ یعنی باید دائم سؤال و پیگیری کنید. این خودش ایجاد نشاط می‌نماید و در رگ‌های دولت خون جاری می‌کند». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۶/۰۴)

۳-۵. عمل و حرکت در راستای اهداف کلان انقلاب اسلامی

این امیدواری و بینش کارگزار به حرکت عالم به سمت صلاح، اقتضای این را دارد که او در راستای اهداف کلان انقلاب اسلامی حرکت کند و رفتارهای سیاسی خود را بر همین اساس تطبیق دهد؛ چرا که این اهداف کلان انقلاب اسلامی هم بر اساس حرکت عالم به سمت صلاح چیده شده و داعیه‌دار تمدن

اسلامی و ظهور دارد؛ بنابراین کارگزار همه عمل‌های سیاسی خود را برای نیل به آن اهداف تنظیم می‌کند که البته خود این اهداف کلان انقلاب اسلامی و مراحل آن در یک موضوع دیگری جای بحث فراوان دارد.^۱

۴-۵. انتظار فرج

وقتی این کارگزار این باور را بیش‌ازپیش در خود نهادینه کرده و به فطرت خود رجوع کرده و به آن عمق بدهد، قطعاً برای اینکه می‌داند این عالم بالأخره به صلاح خواهد رسید، انتظار فرج را خواهد کشید؛ البته این انتظار معنای گسترده و بسیار عمیقی دارد که منظور از انتظار فرج توسط کارگزار بر اساس همین مبنا است.

۶. کنش سیاسی کارگزار متأثر از ایمان به رهبری الهی

۱-۶. ولایت‌پذیری و اطاعت همه‌جانبه از ولی

در ابتدای بحث مطرح شد که این انسان برای اینکه بخواهد فطرت خود را به بی‌نهایت برساند، این را متوجه می‌شود و درک می‌کند که باید کسی بتواند او را هدایت کند تا فطرتش شکوفا شود و در مسیر کمالات الهی قدم بگذارد؛ از این رو به وجود یک رهبری الهی نیاز و ایمان دارد؛ اینکه این رهبر الهی چه کسی باشد به بحث‌های ولایت‌فقیه برمی‌گردد، اما نکته اینجاست که وقتی فرد به این ایمان عمیق، دست پیدا کرد و حتی ولایت‌فقیه را هم فطرتاً باور کرد، قطعاً ولایت‌پذیری و اطاعت همه‌جانبه از ولی خواهد داشت و این در رفتارهای سیاسی او بسیار تأثیر می‌گذارد. البته این اطاعت و ولایت‌پذیری از ولی فقط به این بر نمی‌گردد که در حوزه خاصی ولایت‌پذیر باشد، بلکه ولایت‌پذیری

۱. ر.ک به کتب ده‌گانه مکتب انقلاب اسلامی، بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی.

کارگزار در همه شئون و در همه عرصه‌ها و رفتارهای سیاسی و حتی معرفتی و معنوی او تأثیر می‌گذارد.

۲-۶. حضور و عملکرد به‌جا و به‌موقع در شرایط حساس و فتنه‌ها

کارگزار نظام اسلامی وقتی فطرتاً ولایت‌پذیر شد و ولایت را از درون خود فهمید، دیگر در شرایط حساس و فتنه‌ها دچار سردرگمی عمل و رفتار نمی‌شود و اعتقادات او متزلزل و سست نمی‌گردد؛ همواره حضور و عملکرد به‌جا و به‌موقع در همه فتنه‌ها و شرایط حساس از خود نشان می‌دهد؛ چرا که این ولایت‌پذیری را با اتصال فطری به ولی فهمیده است. واضح است که می‌بینیم در بیانات امام خامنه‌ای دامه‌الرحمة نسبت به فتنه هشتاد و هشت این مسأله به‌وضوح دیده می‌شود که رهبری خواسته‌اند به کارگزارانی که خود را از ولایت دور کرده‌اند راه را نشان داده و مسیر حرکت را آشکار کنند تا دچار انحراف نشوند و قطعاً کارگزاری که خود را به ولی به‌صورت فکری، فطری و عملی نزدیک کرده است دچار انحراف نخواهد شد، ولی اگر این کارگزار فطرتش را دچار حجاب‌ها و پرده‌های ظلمانی کرده و از ولایت دور کرده، حتی با هدایت‌های بیرونی ولی هم آگاه نمی‌شود؛ لذا ولایت‌پذیری او دگر محقق نمی‌گردد.

۳-۶. شناخت و عدم غفلت از دشمن

همین اطاعت از ولی توسط کارگزار اسلامی به او کمک می‌کند که دشمن خود را بهتر بشناسد و چون فطرتاً با ولی متصل شده است، قطعاً غفلتی هم از دشمن نخواهد کرد؛ چرا که ولی به او دشمن را شناسانده و او هم این دشمن را درک کرده و لذا از او غفلت نخواهد کرد. البته این اتصال به ولی توسط کارگزار همواره باید دائمی باشد و گر نه غفلت از دشمن سراغ او هم خواهد آمد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کنار گذاشتن پرده‌های حجاب و رجوع به فطرت توحیدی انسان، یکی از مهم‌ترین کارها و اموری است که دین اسلام بدان تصریح نموده است و حتی یک امر عقلی به شمار می‌رود؛ بنابراین باید هم ادراکات و اندیشه او از به‌گونه‌ای فطری اصلاح شود و هم امیال، گرایش و انگیزه‌های او. از آنجایی که دین هم بر فطرت منطبق است، لذا گستره امور فطری و رفتارهایی که برخاسته از فطرت باشد بسیار زیاد است؛ هیچ کاری وجود ندارد که فطرت در آن تأثیر نداشته باشد و اگر رجوع به فطرت باشد آن کار دینی شده و منطبق بر تکوین و تشریع خواهد بود. اگر تربیت یک کارگزار بر اساس فطرت او صورت بگیرد، یعنی ادراکات، امیال و رفتارهای او فطری شود، دیگر یک امر بیرونی، تحمیلی از خارج نیست که برای تربیت، نیاز به توجیه، توصیه و زحمت فراوان داشته باشد؛ بلکه از درون جوشیده و فقط با هدایت و راهنمایی‌های ولی این فطرت در بستر نظام اجتماعی و فردی، با دین، شکوفا می‌شود. بیدار کردن فطرت‌ها یکی از ویژگی‌های خاص حرکت امام خمینی ره و رهبر معظم انقلاب ع است و انقلاب اسلامی هم انقلاب فطرت‌هاست، همچنین اندیشه و بیانات امامان انقلاب، مملو از آثاری است که با این نگاه به مسائل سیاسی و غیرسیاسی توجه داشته‌اند. این تربیت فطری اگر در کارگزار نظام اسلامی صورت بگیرد قدم بسیار مهمی در ایجاد دولت اسلامی و اهداف کلان انقلاب اسلامی خواهد بود و آثار بسیار زیادی خواهد داشت؛ بنابراین الگوی یک کارگزار سیاسی و کامل، داشتن یک تربیت فطری است که به‌نوعی نقطه و حلقه‌ی مفقوده‌ای در اصلاح رفتارهای سیاسی و غیرسیاسی کارگزاران است که به‌تبع آن مردم و خواص هم از این تربیت بهره‌مند می‌شوند. نکته قابل توجه

این است که این پژوهش، در کنش‌ها و رفتارهای سیاسی، تحلیل‌های ساده‌ای داشته و به پیچیدگی‌ها و لایه‌های متعدد کنش و رفتار، کمتر پرداخته و تأثیرات را بدون لحاظ واسطه‌ها و متغیرها، به صورت مستقیم در نظر گرفته است؛ زیرا این بحثی است که در شروع کار بوده و باید امتداد پیدا کند و در تحقیقات بعدی به این تحلیل‌ها هم پرداخته شود. به هر حال در نتیجه پژوهش حاضر، اثراتی را که در خصوص تربیت فطری و رفتارهای سیاسی کارگزار بود مورد بررسی قرار گرفته و در همه موارد اثرات مستقیم لحاظ شده است. اثرات عمیق‌تر و بیشتری وجود دارد که نیاز به پژوهش بیشتر و مفصل‌تر دارد.



منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۸۶)، *غرر الحکم و درر الکلم*، ج ۲، ترجمه: محمدعلی انصاری، چ ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۹۹ق)، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، تصحیح: طاهر أحمد زاوی، محمود محمد طناحي، ۵ جلد، چ ۱، بیروت: المكتبة العلمية.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، ۱۵ جلد، چ ۳، بیروت: دارصادر.
۴. بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۱)، *حزب جمهوری اسلامی*، چ ۲، تهران: انتشارات روزنه.
۵. پورسعید، فرزاد. (۱۳۹۲)، *فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲)، *شریعت در آئینه معرفت*، تهیه حمید پارسانیا، چ ۱، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۳)، *انسان در اسلام*، چ ۱، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶)، *تبیین براهین اثبات خدا*، تهیه حمید پارسانیا، چ ۵، قم: مرکز نشر اسراء.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق)، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*، احمد عبدالغفور، ۶ جلد، چ ۴، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۷)، *آداب روزه‌داری*، چ ۱، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸)، *تحول معرفتی، بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی*، چ ۱، قم: نشر معارف.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸)، *تفسیر سوره براءت*، چ ۱، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸)، *دولت اسلامی، بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی*، چ ۱، قم: نشر معارف.

۱۴. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸)، *مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، شرح هفت خطبه از نهج البلاغه*، چ ۱، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۹)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، چ ۲۶، قم: مؤسسه ایمان جهادی (صهبا).
۱۶. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۹)، *نهج البلاغه، شرح خطبه اول در موضوع نبوت*، چ ۱، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۰)، *رجل سیاسی، گردآورنده: علی محمدی*، چ ۱، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۸. خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۰)، *ولایت و حکومت*، چ ۶، قم: مؤسسه ایمان جهادی (صهبا).
۱۹. خامنه‌ای، سید علی. (بی تا)، *بیانات، قابل دسترسی در:*
<https://farsi.khamenei.ir/speech>.
۲۰. خزاعی کسک، مهدی. (۱۴۰۰)، *الگوی تربیت سیاسی زمامداران در قرآن کریم*، تهران: دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).
۲۱. خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸)، *شرح چهل حدیث*، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۲. خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۹)، *صحیفه نور*، ۲۲ جلد، چ ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۳. خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲)، *حکومت اسلامی ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی*، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۴. خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق)، *المفردات*، چ ۲، قم: دفتر نشر الکتاب.
۲۶. سعادت پرور، علی. (۱۳۸۵)، *سر الاسراء*، محمد جواد وزیری فرد، چ ۴، چ ۱، تهران: احیای کتاب.
۲۷. سیاح، احمد. (۱۳۷۱)، *فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی فارسی مصور*، تهران: اسلام.

۲۸. شحات خطیب، محمد. (۱۴۱۵ق)، *اصول التربية الإسلامية*، ریاض: دارالخريجي.
۲۹. شرتونی، سعید. (۱۴۰۳ق) *اقرب الموارد فی فصیح العربية و الشوارد*، قم: مکتبه آية الله مرعشی.
۳۰. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ۲۰ جلد، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۲۶ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ۱۰ ج. بیروت: دارالعلوم.
۳۲. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۸)، *مجمع البحرین*، تحقیق: سید احمد حسینی، جلد ۴، قم: انتشارات مرتضوی.
۳۳. فقیهی، علی نقی. (۱۳۹۶)، *نگرش اسلامی به تربیت و سبک زندگی خانوادگی*. قم.
۳۴. فقیهی، علی نقی. (۱۴۰۱)، *شاخص های تربیت متعالی برگرفته از آیات و روایات اسلامی*، *فصلنامه تربیت متعالی*، دوره اول، شماره چهار، زمستان.
۳۵. مطهری، مرتضی. (۱۴۰۰)، *فطرت*، چ ۱، قم: انتشارات صدرا.
۳۶. مطهری، مرتضی. (۱۴۰۱)، *جهان بینی توحیدی*، چ ۲۲، قم: انتشارات صدرا.
۳۷. مظاهری، علیرضا. (۱۳۹۹)، *مناسبات میان فطرت و سیاست از منظر آیات و روایات*، قم: دانشکده تاریخ، تمدن و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.
۳۸. مقدسی، مهدی. (۱۳۹۹)، *اصول تربیت سیاسی کارگزاران جمهوری اسلامی در اندیشه امام خمینی ره و آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله العالی*، تهران: دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۹. مهربان، غلامرضا. (۱۳۹۸)، *الگوی تربیت سیاسی کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در مکتب سیاسی امام خمینی ره*، قم: دانشکده تاریخ، تمدن و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.
۴۰. واعظی، احمد. (۱۳۸۸)، *انسان از دیدگاه اسلام*، تهران: انتشارات سمت.
۴۱. هاشمی، سید حسین. (بی تا)، *چیستی و اهداف تربیت، پژوهش های قرآنی*، شماره ۵۹ و ۶۰ و *ویژه نامه قرآن و فلسفه تربیت*، پاییز و زمستان.